

Examining the Determination of Punishment in the Light of the Characteristics and Actions of the Victim, with Emphasis on Conversion, Mitigation and Exemption from Punishment

Behzad Razavi Fard¹, Anahita Seifi^{2*}, Mahya Hatami³

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Women and Family Studies, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

3. Doctoral student of public international law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran



Abstract

Legislative principles that the judge must pay attention to in determining the punishment; There are four clauses in Article 18 of the Islamic Penal Code. These four clauses are: a) the motive of the perpetrator and his mental and psychological state during the commission of the crime, b) the manner of committing the crime, the extent of the breach of duty and its harmful consequences. C), the perpetrator's actions after committing the crime; and d) the perpetrator's personal, family and social background and status and the effect of ta'zir on him. In such a view, the victim has no place and no trace of his intervention can be seen. The part that the present study intends to study with a descriptive-analytical method, but has not been considered in the paragraphs of Article 18; "Victim status" as well as "Victim effects on crime". The results of this study show that the individual characteristics of the victim (gender, race, religion, kinship with the offender and physical or mental disability) and victim actions (incitement, illegitimate action, retribution and consent of the victim) can be effective in determining the punishment. Also, the reason for the entry of aggravating and mitigating factors is that in the essence of each of them, the entry or risk of injury intensifies or mitigates the ability to blame. Therefore, it can be said that these factors can be examples of the main components of crime proportionality.

Article Type:

Original Research

Pages: 129-155

Received: 2022 August 01

Revised: 2022 October 15

Accepted: 2023 February 05



Keywords: Ta'zir punishment, Determining the punishment, The situation of the victim, Victim features, Principle of proportionality

*Corresponding Author: a.seifi@atu.ac.ir

بررسی تعیین کیفر تعزیری در پرتو ویژگی‌ها و اقدامات بزه‌دیده با تاکید بر تبدیل، تخفیف و معافیت از مجازات

بهزاد رضوی فرد^۱، آناهیتا سیفی^{۲*}، مهیا حاتمی^۳

۱. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

اصول تقنینی که قاضی می‌بایست در تعیین کیفر تعزیری به آن توجه کند؛ چهار بندی است که در ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مطرح گردیده است. این چهار بند عبارتند از: الف) انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، ب) شیوه‌ی ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن. پ) اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم و ت) سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی. در چنین دیدگاهی، بزه‌دیده جایگاهی نداشته و اثری از مداخله‌ی او دیده نمی‌شود. بخشی که پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی قصد بررسی آن را دارد ولی در بندهای ماده‌ی ۱۸ مورد توجه قرار نگرفته است؛ «وضعیت بزه‌دیده» و همچنین «آثار بزه‌دیده بر بزه» می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ویژگی‌های فردی بزه‌دیده (جنسیت، نژاد، مذهب، قرابت بزه‌دیده با مجرم و نقص جسمی یا ذهنی) و اقدامات بزه‌دیده (تحریک، اقدام نامشروع، تقاص و رضایت بزه‌دیده) می‌تواند در تعیین کیفر تعزیری مؤثر باشد. همچنین علت ورود عوامل مشدده و مخففه بدان جهت است که در جوهره هر یک از آنها، ورود و یا خطر ورود صدمه و میزان قابلیت سرزنش را تشدید یا تخفیف می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت که این عوامل می‌توانند مصادیقی از عناصر سازنده اصلی تناسب جرم باشند.

واژگان کلیدی: اصل تناسب، تعیین کیفر، کیفر تعزیری، وضعیت بزه‌دیده، ویژگی‌های بزه‌دیده



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱۵۷-۱۸۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

از آن هنگام که بشر شاهد پیدایش پدیده‌ی جرم بوده است؛ گونه‌های متنوعی از واکنش‌ها که گاه وجه خشونت‌آمیز داشته و بیشتر به صورت مجازات و با هدف نابودی حیات، اموال و هستی و بالاخره حقوق‌کننده آن جرم بوده؛ یا به عرصه‌ی وجود گذاشته است (افشارپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵). تظاهر بزه فقط کیفر را آفرید؛ زیرا دیگر کسی به جست‌وجوی علت جرم و شناخت بزهکار نپرداخت و صرفاً کیفر دادن مجرم مورد توجه قرار گرفت. شکل‌گیری پدیده‌ی کیفر مستلزم اجتماع عناصری است که بدون آنها، مفهوم کیفر شکل نمی‌گیرد. هرکدام از مکاتب حقوق کیفری تلاش کرده‌اند، این عناصر را تبیین نمایند (شیری، ۱۳۹۷: ۸۴). طبق تعریف فلو. بن و هارت^۱ پنج عنصر سازنده کیفر استاندارد عبارتند از: (۱) باید رنج و یا دیگر پیامدهایی را که به طور طبیعی نامطلوبند، دربرگیرد، (۲) باید علیه بزه‌ی اعمال شود که قانون را نقض کرده است. (۳) باید علیه بزهکار واقعی یا بزهکاری که قصد ارتکاب بزه را دارد، اعمال شود؛ (۴) باید فردی غیر از بزهکار آگاهانه آن را اعمال کند. (۵) باید از طریق مقام مسئول منصوب شده از جانب نظام عدالت قانونی علیه بزهکار، اعمال و کنترل شود (Zaibert و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۵).

در تئوری فوق که بازگوکننده‌ی نظریه کلاسیک در مورد پدیده‌ی کیفر است، ردی از مداخله‌ی بزه‌دیده دیده نشده و بر نقش انحصاری مقامات عمومی تأکید می‌گردد. در پنج عنصر مذکور، بزه‌دیده جایگاهی نداشته و کیفر صرفاً یک واکنش سزاگرایانه به پدیده‌ی بزهکاری می‌باشد؛ گویی که بزه در خلاء صورت گرفته است و نه علیه بزه‌دیده. در حقوق ایران نیز وضعیت بزه‌دیده در تعیین کیفر تعزیری مورد توجه بوده است. بی‌تردید تعیین مجازات مرتکب در پرتو سهم قربانی جرم در تکوین پدیده‌ی مجرمانه و هم‌چنین خصوصیات ویژه او، از موضوعاتی است که همواره مورد توجه قانون‌گذاران بوده و هست و می‌تواند عاملی مهم برای تعیین مجازات‌های مناسب و تخفیف آنها محسوب گردد و نادیده گرفتن آنها به معنای چشم‌پوشی از واقعیات موجود می‌باشد. با این وجود در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، توجه به سهم بزه‌دیده، از نظر قانون‌گذار دور بوده است. در ۴ بند ارائه شده در این ماده اصول تقنینی که قاضی می‌بایست در تعیین کیفر تعزیری به آن توجه کند، ارائه گردیده است. قانون‌گذار در این ماده بیان داشته است: «دادگاه در صدور

1. Flew – Benn – Hart.

حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم. ب- شیوه‌ی ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن. پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم. ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی». بند اول ناظر بر انگیزه‌ی مرتکب بوده و وضعیت ذهنی مرتکب مورد توجه قرار می‌گیرد. بند دوم بر شیوه‌ی ارتکاب جرم ناظر بوده و بندهای دیگر به ترتیب اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم و همچنین سوابق و وضعیت فردی و خانوادگی مرتکب است. بخش دیگری که پژوهش حاضر قصد بررسی آن را دارد ولی در بندهای ماده‌ی ۱۸ مورد توجه قرار نگرفته است؛ «وضعیت بزه‌دیده» می‌باشد. در این پژوهش تأکید بر آن دسته از وضعیت‌های بزه‌دیده است که موجبات تخفیف، تبدیل و معافیت از مجازات را فراهم می‌کند.

۲- بزه‌دیده و بزه‌دیدگی در علوم جنایی

واژه «بزه‌دیده» در نوشتگان مختلف فارسی و انگلیسی در معانی گوناگون به کار رفته است. در متون فارسی این واژه در معنی عام‌اش، معادل واژه «قربانی» به کار رفته است. قربانی یعنی: «۱- ویژگی آنچه، یا آنکه به نیت به دست آوردن رضای خداوند ذبح می‌شود. ۲- ویژگی آنکه در راه هدفی جان خود را برای دیگران به خطر بیندازد و فدا کند. ۳- آنکه در اثر حادثه‌ای ناخواسته، جان خود را از دست بدهد: قربانی تصادف، زلزله، ۴- آنکه به خاطر وضع دشوار و محیط نامناسب، دچار مشکل و مصیبت شده است: آدم معتاد قربانی جامعه نابسامان است. ۵- عمل قربانی کردن گوسفند، شتر و مانند اینها در روز عید قربان» (انوری، ۱۳۸۶: ۵۵۱۶). مفهوم بزه‌دیده در زبان فارسی معادل واژه‌های عربی قربانی، مجنی‌علیه و زیان‌دیده است. این واژه در انگلیسی به معنای Victim (قربانی) به کار رفته است و در ادبیات بحث جرم‌شناسی و کتاب‌های حقوقی، تعاریف‌های متفاوتی دارد. در مجموع می‌توان آنها را به تعریف موسع و مضیق دسته‌بندی کرد. بزه‌دیده، شخصی مستقل یا متعلق به یک مجموعه است که متحمل آثار دردناک برخی عوامل شده که این عوامل دارای ریشه‌های مختلف فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و همچنین طبیعی هستند (فیلیزولا، ۱۳۸۸: ۷۵). اما واژه بزه‌دیده در

معنی خاص‌اش، فی‌الواقع مفهومی مضیق و همسنگ با واژه معروف حقوق جزا یعنی «مجنی‌علیه» است و «مجنی‌علیه» در واژه‌شناسی یعنی «آنکه جرمی به ضرر او واقع شده است» (انوری، ۱۳۸۶: ۵۵۱۶). یا «شخصی که در اثر جرم، شبه جرم یا خطای دیگر زیان دیده است» (گارنر، ۱۵۹۸: ۲۰۰۴).

هانس فون هنتینگ^۱ پدر علم بزه دیده‌شناسی، بزه دیده را چنین تعریف نموده: که بزه دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. هنتینگ بزه دیده را در مفهوم مضیق خود مطرح ساخت که ناظر بر مجنی‌علیه است (الستی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۵). در تعریف از واژه «بزه دیده» شاهد اختلاف نظرها و برداشت‌های متنوع از سوی اندیشمندان، به ویژه بزه دیده‌شناسان پیرامون تبیین اصطلاح «بزه دیده»، «بزه دیده‌شناسی»^۲ و مفهوم و قلمرو آنها هستیم. به عنوان مثال، فون هنتینگ در کتابش با اعتقاد به روابط میان بزه دیده و بزه‌کار و نقش وی در ایجاد رفتارهای مجرمانه، تنها بزه‌دیدگان ناشی از رفتارهای مجرمانه را مدنظر قرار داده است یا عزت فتاح^۳ اصطلاح بزه دیده را کسی می‌داند که به یک برآیند منفی یا هرگونه زیان یا آسیب دچار شده باشد؛ به کار می‌رود، خواه زیان یا آسیب مالی، جسمی یا عاطفی باشد (فتاح، ۱۴۷: ۲۰۰۰). یا مندلسون^۴ در سال ۱۹۷۶ بزه دیده را اینگونه تعریف می‌نماید: «شخصی مستقل یا متعلق به یک مجموعه‌ای که متحمل آثار دردناک برخی عوامل شده که اینها دارای ریشه‌های مختلف فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نیز طبیعی می‌باشند» (فیلیزولا، ۱۳۸۸: ۱۵۶).. بنابراین، مندلسون یک مفهوم گسترده‌تر از اصطلاح بزه دیده را ارائه می‌نماید. وی اعتقاد دارد که اصطلاح «بزه دیده‌شناسی» نه تنها باید بزه‌دیدگان ناشی از رفتارهای مجرمانه را دربرگیرد بلکه باید شامل تمامی قربانیان یعنی قربانیان جرایم و سوء استفاده از قدرت و قربانیان ناشی از رخدادها، رویدادهای طبیعی و دیگر اعمال منتسب به خدواند مانند سیل و طوفان بشود (فیلیزولا، ۵۹-۵۸: ۱۳۸۸). بزه دیده به عنوان یکی از عناصر وضعیت ماقبل جنایی، در کانون توجه جرم‌شناسی نوین قرار گرفت و مطالعه

1. Hans von hentig.
2. Victimology.
3. Ezzat fattah.
4. Mendelsohn.

روابط بین بزه‌دیده و بزه‌کار، زمینه مناسبی برای پیدایش شاخه جدیدی در جرم‌شناسی به نام بزه‌دیده‌شناسی فراهم آورد. در بررسی مفهوم بزه‌دیده، دو رویکرد مطرح است: در رویکرد اول، بیشتر به ورود ضرر و خسارت به دیگری توجه شده است تا به منشاء ایراد ضرر و علل و عوامل جرم. مطابق این دیدگاه، بزه‌دیده کسی است که یک خسارت و آسیب قطعی بر تمامیت شخص او وارد شده است؛ به گونه‌ای که اکثر افراد جامعه به آن اذعان دارند. در تعریف مضیق به عکس تعریف موسع، خاستگاه آسیب، ناشی از جرم و منشاء ایراد خسارت در کانون توجه است (برجس و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳۸).

بزه‌دیدگی اولیه: عمل مجرمانه‌ای که شخص قربانی آن می‌گردد؛ می‌تواند قتل، سرقت، تجاوز به عنف و بسیاری از جرایم دیگر باشد. بزه‌دیدگی ثانویه: در صورتی که بزه‌دیده یک جرم برای بار دوم قربانی شود. نشانه‌ای از آسیب‌پذیری است و نشان می‌دهد که بزه‌دیده بیش از حد در معرض خطر قرار دارد. بزه‌دیدگی مکرر: یعنی کسی که چندین بار متحمل جرم شود و دائماً قربانی جرم می‌گردد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۷۳). مطابق ماده ۱۰ آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، بزه‌دیده کسی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد، چنانچه شاکی تعقیب مرتکب را درخواست کند و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند مدعی خصوصی نامیده می‌شود (اسلامی، ۱۳۹۵: ۱۶۱).

با این اوصاف، اینکه آیا «بزه‌دیده‌شناسی» باید خود را به بزه‌دیده و بزه‌دیدگی در مفهوم رسمی/ خاص محدود کند یا باید مفهوم گسترده‌تری را بر پایه قربانی‌شناسی عمومی^۱ بپذیرد که قربانیان نقض‌های حقوق بشری، دیگر رویدادها و حتی رویدادهای طبیعی را نیز در برگیرد؛ مسئله‌ای بسیار مورد اختلاف و پرسرو صدا در نشست‌های متعدد «انجمن جهانی بزه‌دیده‌شناسی» بوده است (Dijk و همکاران، ۱۹۹۹: ۴) که سرانجام با پیشنهاد اندیشمندانی مانند رابرت الیاس^۲ (۱۹۸۵) و به ویژه سپارویچ^۳ (۱۹۸۵) بزه‌دیده‌شناسی موضوع خود را نه با توجه حقوق جزا بلکه با توجه به حقوق بشر، باید تعریف کند. بر اساس این دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی باید پیامدهای انسانی نقض‌های حقوق بشری را که شهروندان یا حکومت‌ها مرتکبان آن هستند؛ مطالعه کند.

1. General Victimology.
2. Robert Elias.
3. Separovic.

۳- تعیین کیفر بر اساس وضعیت بزه‌دیده از منظر اصل تناسب

اصل تناسب از ملزومات ابتدایی انصاف و عدالت در تمامی امور قضایی از جمله تعیین کیفر می‌باشد. در تاریخ حقوق کیفری از دوره انتقام جوئی گرفته تا دوران کنونی، واضعان مجازات همواره یکی از استدلالات خود برای توجیه آن، رعایت تناسب مجازات و جرم می‌دانند. قانون‌گذار اجازه (به دادگاه) می‌دهد که در دایره و محدوده کلی مجازات تعیین شده، بتواند با توجه به اوضاع و احوال و شرایط حاکم بر وقوع عمل مجرمانه که از آن به عوامل مشدده و مخففه تعبیر می‌گردد، در تعیین شدت عمل مجرمانه خاص اعمال نظر نموده و مجازاتی متناسب با شرایط پیش‌گفته برای مرتکب تعیین و اجرا نماید. به این معنا، بر خلاف مرحله پیشین که تعیین شدت جرم بر مبنای تناسب طولی بوده و یک جرم در مقیاس با نوع دیگری از جرم (مثلاً جرم قتل عمد در مقایسه با جرم فحاشی) مورد سنجش قرار می‌گرفت (هوشیار، ۲۱-۲۰: ۱۳۸۸). در این مرحله، دادگاه اجازه دارد در محدوده مجازات تعیین شده یک جرم خاص (مشابه) که در شرایط متفاوت ارتکاب می‌یابد، اقدام به تعیین مجازات نماید. در واقع در این مرحله، تناسب مربوط به درجات مختلف یک جرم و یا جرایم مشابه با آن، مورد توجه قرار گرفته به گونه‌ای که مجرمان با ارتکاب جرایم با شدت‌های مشابه به مجازات‌های مشابه محکوم شوند.

این قدرت مانور دادگاه در محدوده کلی مجازات تعیین شده (مثلاً حبس ابد) برای جرایم هم‌عرض (همانند قتل عمد) به تناسب عرضی یا نسبی^۱ تعبیر می‌گردد. در واقع در این تناسب، تفاوت در شدت مجازات در محدوده‌ای که در مرحله قبل از سوی قانون‌گذار تعیین شده است، مجاز شماره شده و با وجود اینکه می‌باید در جرایم مشابه مجازات‌های مشابه^۲ صادر گردد، اما به علت وجود عواملی، مجازات در این محدوده از این نوع جرایم متفاوت خواهد بود. تناسب نسبی بیان می‌کند که افرادی که به جرایمی که دارای شدت مشابه‌اند، باید به مجازات‌های که از نظر شدت قابل مقایسه‌اند محکوم شوند. البته این موضوع بدان معنا نخواهد بود که افراد الزاماً در مورد جرمی خاص، به مجازات یکسان محکوم شوند، بلکه به این معنا است که جرایمی که از نظر شدت قابل

1. Ordinal or Relative Proportionality.

2. Parity.

مقایسه هستند، باید مجازاتی از همان درجه از شدت ۱ را در پی داشته باشند. تناسب نسبی علاوه بر مراتب مذکور بیان می‌دارد، جرایمی که در یک ردیف و در عرض هم هستند، در درون خود نیز دارای مراتبی از شدت هستند و درجاتی از شدت مجازات نیز دارا خواهند بود.

شرایط ارتکاب جرم، مجرم و قربانی جرم آنچنان متفاوت و متغیر است که بیان و تعریفی یکسان برای هریک از آنها از سوی قانون‌گذار نه ممکن است و نه معقول. تعریف خصوصیات جرم و میزان مجازات مرتکب در زمان تصویب قانون، بر اساس شرایط کلی و معمول آن صورت می‌گیرد، لیکن متغیرهای گوناگونی ناشی از اوضاع و احوال جرم، مجرم و قربانی جرم بر آن عارض (تعریف قانونی) می‌گردد که از طرف مقنن به دادگاه اجازه دخالت و محاسبه آنها در شدت و خفت جرم در مرحله عمل داده می‌شود. این متغیرها را عوامل مخففه و مشدده نامیده‌اند (اردبیلی، ۲۰۷ و ۲۱۷: ۱۳۸۸). چنانچه مواردی که به عنوان عوامل مخففه و مشدده در قوانین و رهنمودها بیان گردیده، در راستای عناصر تناسب تفسیر و مورد تحلیل قرار گیرند، در خواهیم یافت که این عوامل همانند دو عنصر اصلی تناسب عمل می‌کنند و در شدت جرم مؤثر واقع می‌شوند. به عنوان مثال اگر آسیب‌پذیر بودن قربانی جرم یا انگیزه پست مجرم در ارتکاب جرم یا ارتکاب گروهی جرم علیه قربانی یا جرم علیه مأمورین دولت، به عنوان عامل مشدده یا اگر تحریک مجرم توسط قربانی در ارتکاب جرم به عنوان عامل مخففه در نظر گرفته می‌شود، بدان جهت است که در جوهره هریک از آنها، ورود و یا خطر ورود صدمه و میزان قابلیت سرزنش را تشدید یا تخفیف می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت که این عوامل می‌توانند مصادیقی از عناصر سازنده اصلی تناسب جرم باشند و جدا از عناصر تناسب تلقی نماییم.

۴- تبدیل، تخفیف و معافیت از مجازات با توجه به بزه‌دیده

موجبات تبدیل، تخفیف و معافیت از مجازات متناسب با ویژگی‌های فردی بزه‌دیده و همچنین اقدامات او و شرایط حاکم بر جرم سنجیده می‌شوند که در ادامه به هریک از آنها اشاره می‌شود.

۱-۴- ویژگی‌های فردی بزه‌دیده

نژاد، مذهب، جنس، رابطه نسبی و سببی، و نقص جسمی و روانی قربانی جرم عواملی تعیین‌کننده، برای تخفیف، تبدیل و معافیت از مجازات مجرمان بوده است که در ادامه به هریک از آنها اشاره می‌گردد.

۱-۱-۴- جنسیت

بر پایه یافته‌های جرم‌شناسانه، زنان نه تنها کمتر از مردان جرم مرتکب می‌شوند؛ بلکه میزان بزه‌دیدگی‌شان نیز به طور کلی کمتر است. با وجود این، بزه‌دیدگی زنان در پاره‌ای از جرم‌ها - به دلیل ماهیت خاص این جرم‌ها - بالاست. جرم‌های جنسی با تأکید بر تجاوز جنسی - و خشونت‌های خانگی - به ویژه همسرآزاری - نمونه‌های برجسته‌ای از این جرم‌ها به شمار می‌روند. در این میان، نباید، موضوع «رقم سیاه بزه‌کاری» را نادیده گرفت؛ زیرا مطالعات نشان می‌دهند که رقم سیاه این جرم‌ها بسیار بالاست. (Hoyle, ۲۰۱۳: ۵۴۷). ارتباط میان بزه‌کار و بزه‌دیده، حفظ آبرو و حیثیت، ترس از انتقام جویی بزه‌کار، ترس از برخورد دستگاه عدالت جنایی و نگاه جامعه به رویداد جنایی، از جمله دلایل‌هایی است که می‌توان برای این رقم سیاه که معمولاً از گزارش نکردن جرم‌های یاد شده به پلیس حاصل می‌شود؛ برشمرد. وانگهی، در جرم‌های جنسی ممکن است رویداد جنایی اصولاً مجرمانه یا یک تجاوز واقعی انگاشته نشود. این موضوع به ویژه زمانی درست است که مرد مرتکب بیگانه نباشد. در کنار نقشی که رقم سیاه در میزان بزه‌دیدگی زنان دارد؛ آسیب‌پذیری زنان را بر پایه معیار جنسیت - نیز باید در این بزه‌دیدگی مهم دانست. این موضوع به ویژه در جرم‌های مالی (مانند سرقت) اهمیت می‌یابد (Jaishankar, ۲۰۱۱: ۳۰۸). در این جرم‌ها، زنان معمولاً آماج‌های مناسبی برای بزه‌کاران انگاشته شده و چنانچه خود نیز در ایجاد وضعیت پیش جنایی نقش داشته باشند؛ به آسانی بزه‌دیده می‌شوند. آسیب‌پذیری زنان که بیش از هر چیز در بزه‌دیدگی آنان نقش دارد؛ زنان بزه‌دیده را شایسته حمایت‌های ویژه‌ای می‌سازد. این حمایت‌ها با توجه به ماهیت خاص جرم‌های ارتكابی نسبت به زنان ویژگی‌هایی دارد که بیشتر در پرتو کمک‌های روانی - عاطفی نمود پیدا می‌کنند. صرف نظر از تفاوت خلقت زن و مرد و ساختمان بدنی آنان که هیچ اختلاف نظری در آن وجود ندارد، لیکن آنچه همواره در

طول تاریخ مورد مناقشه می‌باشد، اختلاف در شخصیت، تفاوت با تساوی حقوق فردی و اجتماعی آنان بوده است. از دوران باستان تاکنون، نگرش‌های افراطی به زن در میان گروه‌های مختلف افراد جامعه می‌توان یافت (حسینی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۶).

قانونگذار ایران، در برخی از کیفرها نسبت به مواردی که بزه دیده و مجرم از یک جنسیت نبوده، تفاوت قائل شده است. به عبارت دیگر جنس بزه دیده و مجرم، در تعیین کیفر موضوعیت پیدا نموده و نقش اساسی در تعیین مجازات ایفاء می‌نماید. بر اساس مقررات قانونی، هرگاه زن مسلمانی عمدتاً کشته شود، حق قصاص ثابت است لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیرمسلمان باشد، بدون پرداخت چیزی قصاص می‌شود. در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان، پرداخت مابه‌التفاوت دیه آنها لازم است.^۱ علاوه بر موارد مذکور، می‌توان مواردی را نام برد که به دلیل جنسیت زن، مجازات‌ها کاهش و به تأخیر انداخته می‌شوند، در ماده ۲۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در حالی که برای مرد قواد، مجازات شلاق و تبعید قید گردیده است، برای زن، تنها مجازات شلاق بیان شده است. مجازات همجنس‌گرایی بین زنان (مباحقه) در قانون مذکور تنها مجازات شلاق است^۲ در صورتی که مجازات همین عمل (لواط) بین مردان اعدام است.^۳ در قوانین شکلی نیز می‌توان از توجه به ملاحظات زیستی- فیزیولوژیکی ویژه زنان که حکایت از سیاستی ارفاق‌آمیز نسبت به آنان دارد، نام برد. به عنوان نمونه مطابق با ماده ۴۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، زن حامله، که محکوم به قصاص نفس است، نباید پیش از وضع حمل قصاص شود. اگر پس از وضع حمل نیز بیم تلف طفل باشد، تا زمانی که حیات طفل محفوظ بماند، قصاص به تأخیر می‌افتد.

۴-۱-۲- نژاد

صریح‌ترین مفهوم تساوی در برابر قانون، آن است که هیچ فردی به خاطر رنگ یا نژاد مجازات شدیدتری متحمل نشود (بیات، ۱۳۹۵: ۱۶). در قوانین کشور ایران جز در

۱. ماده ۳۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲..

۲. مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.

۳. ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.

مورد وابستگی بزه‌دیده به مذهبی غیر از دین اسلام، تعلق و انتساب قربانی جرم به یک نژاد، رنگ، قوم، ملیت از موجبات و عوامل مؤثر در تعیین مجازات نبوده و قوانین کیفری ایران برای موارد مذکور هیچ ویژگی خاصی برای تفاوت قانونی بین مجرم و بزه‌دیده قائل نمی‌گردد. اما تعلق و وابستگی بزه‌دیده به یک مذهب و دینی غیر از اسلام که با توجه به اینکه تعداد افراد غیر معتقد به دین اسلام جمعیت گسترده‌ای در جهان را شامل می‌شود و نمی‌تواند محدودتر از تعلق به یک نژاد تلقی گردد، از موجباتی است که به موجب صراحت قوانین کیفری مؤثر در تعیین کیفر است که در بخش بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۳- مذهب

در سال‌های اخیر در قوانین کیفری ایران، در مورد تساوی مجازات، در قانون مجازات اسلامی گام‌های برداشته شده است و دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده ۱ را معادل دیه مسلمانان تعیین گردیده است.^۲ در مورد سایر معتقدان به سایر مذاهب از قبیل سیک‌ها و هندوها یا افراد فاقد مذهب، به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه عنوان غیرمسلمان بر آنان اطلاق می‌گردد، دیه آنان با مسلمانان یکسان نمی‌باشد. بنابراین در صورت ایراد هرگونه صدمه بدنی (قربانی جرم) از سوی یک مسلمان نه تنها (مسلمان) قصاص نخواهد شد بلکه دیه معادل دیه مسلمان به وی پرداخت خواهد شد و در مواردی حتی هیچ دیه‌ای به وی تعلق نخواهد گرفت (سبزواری نژاد، ۱۳۹۱: ۱۵۹). با مراجعه به مجموع مقررات قانونی در ایران، به نظر می‌رسد این تمایز (ویژگی اعتقادی و مذهبی بزه‌دیده) در تعیین مجازات محدود به جرایمی است که موضوع آنها ایراد صدمه بدنی بر بزه‌دیده است و به سایر جرایم علیه غیرمسلمان تسری پیدا نمی‌نماید.^۳ بنابراین آنان در سایر مجازات‌ها، مانند جرایم علیه اموال یا جرایم علیه حیثیت یا آبروی آنان، تفاوتی با مسلمانان نداشته و مذهب قربانی جرم در تعیین مجازات تأثیری نخواهد داشت. بر خلاف جرایم علیه اشخاص که در مقررات

۱. در قانون اساسی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های شناخته شده محسوب می‌گردند.
 ۲. در سایر مجازات‌ها مانند مجازات‌های تعزیری و یا بازدارنده که بنظر اکثر مجازات‌های قانونی ایران را تشکیل می‌دهد در تعیین مجازات بین مسلمان و غیرمسلمان تفاوتی دیده نمی‌شود و قانون‌گذار برای همه اعم از مسلمان و غیرمسلمان مجازات یکسان مقرر نموده است.

کیفری ایران تمایزی در تعیین مجازات مسلمان و غیرمسلمان و افراد مهدورالدم وجود دارد، ملاحظه قوانین در جرایم علیه اموال نشان می‌دهد که در صورتی که اموال افراد غیرمسلمان و مهدورالدم مورد تعرض قرار گیرند، آنان همانند مسلمانان مورد حمایت قانونگذار واقع و مذهب بزه‌دیده (قربانی جرم) تأثیری در تعیین مجازات مرتکب ندارد. شرایط ارتکاب جرم سرقت، تخریب یا خیانت در امانت دلالت بر آن دارد که در تعیین مجازات مرتکب، مذهب یا دین قربانی تأثیری در مجازات مرتکب نداشته و چنانچه مسلمانی اقدام به سرقت اموال غیرمسلمان، مهدورالدم و یا مرتد نماید با احراز شرایط، حد سرقت بر او جاری می‌گردد. در مجازات‌های تعزیری مربوط به جرایم علیه اموال نیز این حکم جاری است.

۴-۱-۴- قرابت بزه‌دیده با مجرم

در قوانین کیفری ایران، وجود رابطه نسبی بزه‌دیده با مرتکب، تأثیر اساسی در تعیین مجازات دارد. بر اساس این مقررات، چنانچه پدر یا جد پدری، فرزند خود را اعم از دختر یا پسر و اعم از اینکه اولاد او باشد یا اولاد اولاد و هر چقدر پایین برود عمداً بکشد، محکوم به مجازات قصاص نخواهد شد.^۱ در همین مقررات در ماده ۲۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ آمده است: پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را قذف کند به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۷).

۴-۱-۵- نقص جسمی یا ذهنی

بر خلاف حقوق کیفری بسیاری از کشورها مانند انگلستان و آمریکا که در قبال قربانیانی که دارای اختلالات روحی و روانی یا دارای نقص‌های جسمی هستند، در مراحل مختلف دادرسی همواره به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر، سیاستی حمایتی را اتخاذ نموده، با جستجو در لایه‌های قوانین کیفری ایران سیاستی منسجم و یکنواخت در مواردی که افراد ناتوان^۲ آماج اعمال مجرمانه واقع می‌شوند، نمی‌توان

۱. ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.

۲ تبصره ماده ۱ قانون جامع حمایت از معلولان ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ معلول را این‌گونه تعریف می‌نماید: «معلول در این

دریافت. بلکه در این زمینه رویکردی گاه در تعارض و علیه این نوع قربانیان اتخاذ گردیده است. رجوع به قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد، چنانچه قربانی جرم به لحاظ روانی یا جسمی دارای نقصی و مرتکب جرم فاقد آن نقصان باشد، مرتکب جرم، مجازاتی معادل زمانی که علیه فرد سالم انجام می‌دهد، نخواهد داشت. به عبارت دیگر، زمانی چنین فردی قربانی جرم واقع گردد، نوع مجازاتی که مرتکب جرم (سالم) به آن محکوم می‌گردد، از شدت کمتری برخوردار است. البته این رویکرد در تمام جرایم جاری نبوده و تنها در برخی مجازات‌ها مانند قصاص قابل اعمال است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه ایراد صدمه به این نوع افراد نسبت به افراد سالم از قابلیت سرزنش بیشتری برخوردار بوده، مقررات کیفری ایران، در مورد تفاوت در مجازات دیه و قصاص بین افراد سالم و ناسالم با شرایط اصل تناسب و اهمیت عنصر قابلیت سرزنش فعل ارتكابی همخوانی نداشته و توجیهی منطقی و عقلانی برای آن نمی‌توان بیان کرد.

۲-۴- اقدامات بزه‌دیده

منظور از عنوان مذکور، آن دسته از اعمال و ترک اعمالی است که بزه‌دیده بر اساس مقررات قانونی یا مکلف به انجام آنها بوده و انجام نداده است یا مؤظف به انجام ندادن آنها بوده، ولی آنها را انجام داده است یا اقدامی از سوی بزه‌دیده صورت می‌گیرد و یا شرایط ارتكاب جرم علیه بزه‌دیده به گونه‌ای است که بر اساس مقررات قانونی سبب تخفیف یا معافیت مرتکب جرم می‌شود.

۱-۲-۴- تحریک

از جمله موارد تخفیف یا معافیت از مجازات مجرمان آن است که مرتکب، جرم ارتكابی را در اثر اقدامات تحریک‌آمیز بزه‌دیده انجام داده باشد (بیات، ۱۳۹۵: ۸۱). به عبارت دیگر نقش بزه‌دیده در وقوع جرم ناشی از تحریک مجرم، از مواردی است

قانون به افرادی اطلاق می‌گردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی، بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توام، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد، به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود.»

که در قوانین کیفری سبب تخفیف یا عدم مجازات مجرم می‌شود (سبزواری نژاد، ۱۳۹۱: ۱۶۹). تحریک در لسان حقوقی کشور ایران، در دو حوزه مورد استفاده قرار گرفته است. اول آنکه، تحریک در کنار تشویق و ترغیب به عنوان یکی از اشکال معاونت در ارتکاب جرم و گاه به عنوان یک جرم مستقل مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱ دیگر آنکه، به عنوان عاملی مؤثر در میزان مسئولیت کیفری مجرم تأثیر گذاشته و مجازات وی را تخفیف یا او را از مجازات معاف می‌گرداند.^۲ در این بخش، آنچه مورد بررسی قرار می‌گیرد، مفهوم دوم از این کاربرد است و معنای اول آن مورد نظر نمی‌باشد.

گروهی از حقوق دانان برانگیختگی مرتکب را موجب زوال مسئولیت کیفری وی دانسته و آن را ناشی از خطای قربانی جرم دانسته، چراکه او با برانگیختن مرتکب، سبب عصبانیت او را فراهم و در شرایطی موجب زوال اراده و در نتیجه فاقد مسئولیت کیفری خواهد بود (عاملی: ۲۳۸). برخی مدعی اند که در نتیجه برانگیختگی، مرتکب قدرت کنترل خود را از دست می‌دهد و در واقع مرتکب همانند ابزاری در دست محرک یا بزه دیده است و اصولاً عمل ارتكابی قابل انتساب به تحریک کننده خواهد بود نه تحریک شده. بنابراین مرتکب جرم مسئولیت کیفری نخواهد داشت بلکه بزه دیده یا محرک مسئولیت آن را به عهده دارد (درسل، ۱۹۸۸: ۴۷۷).

کشورهای مختلف از جمله ایران و انگلستان، در مجموع مقررات کیفری خود اقدام تحریک آمیز قربانی جرم را مؤثر در مجازات مرتکب دانسته و به عنوان عاملی مخففه و گاه رافع مسئولیت کامل آن، بیان داشته‌اند. در قوانین کیفری ایران، مقررات منظمی و کلی وجود ندارد و می‌باید آن را در لابه لای قوانین جستجو نمود. در قوانین کیفری ایران، از تحریک قربانی جرم، به عنوان عذری که معاف کننده کلی مجازات مجرم است، می‌توان نام برد. اگرچه از تحریک در قتل در فراش به عنوان عامل معافیت نام برده نشده، ولی عدم ذکر آن، نمی‌تواند موجب نادیده گرفتن این واقعیت شود که تنها عامل و مبنای چنین حکمی چیزی جز تهییج و برانگیختن

۱. ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ یکی از موارد معاونت در ارتکاب جرم را تحریک دانسته است و در ماده ۱۳۰ قانون مذکور نیز می‌توان یکی از مصادیق آن تحریک دانست که به صورت جرم مستقلی قابل انجام است. در زبان انگلیسی از تحریک، به عنوان یکی از موارد معاونت در جرم، از اصطلاح Encouragement Incitement استفاده می‌شود.

2. Provocation.

شدن مجرم در برابر بزه‌دیده نمی‌باشد (صانعی، ۱۳۷۷: ۶۹). در قوانین کیفری ایران، این عامل می‌تواند از موجبات تخفیف مجازات تلقی نمود، زمانی که در قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که اگر دو نفر به همدیگر قذف نمایند، حد از آنها ساقط و به مجازات تعزیری تبدیل می‌گردد یا در مورد قتل در فراش موضوع ماده ۱۷۹ ق.م.ع. ۱۳۰۴ که مقرر می‌داشت «اگر خواهر و دختر مرتکب، یکی از مقتولین، مضروبین یا مجروحین باشد» و به طور کلی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مجازات‌های تعزیری و بازدارنده^۱ این عامل از موارد تخفیف مجازات مرتکب محسوب و دادگاه باید یا می‌تواند این عامل را در تعیین مجازات مجرم مورد نظر قرار دهد. در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی با الهام از بزه‌دیده شناسی علمی در بند «پ»^۲ ماده‌ی ۳۸ ق.م.ع. «تحریک بزه‌دیده را از جهات تخفیف شمرده هم چنین در سایر پاسخ‌های غیر کیفری با الهام از بزه‌دیده شناسی حمایتی به تأثی از مکتب عدالت ترمیمی. توجه بزه‌دیده و میزان خسارت و التیام آلام وی را از پیش شرط‌های استفاده از تأسیسات ارفاقی چون تعویق صدور حکم (بند «ب»^۳ م ۴۰ ق.م.ع.)^۱ تعلیق اجرای مجازات (بند

۱ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.

۲ - ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی

جهات تخفیف عبارتند از:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب- همکاری موثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کاررفته برای ارتکاب آن

پ- اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار موثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیانبار جرم

ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

تبصره ۲- هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.

۳ - ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی

در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی،

«ج» م^۱ ۴۳ ق.م.ا. نظام نیمه آزادی (ماده^۲ ۵۷ ق.م.ا.)، آزادی مشروط^۳ (ماده ۵۸ ق.م.ا.)

خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

الف- وجود جهات تخفیف

ب- پیش بینی اصلاح مرتکب

پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

ت- فقدان سابقه کیفری موثر

تبصره- محکومیت موثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، براساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.

۱- ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی

در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق ملزم نماید:

الف- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه های خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه افراد واجب النفقه

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج- خودداری از فعالیت حرفه ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل موثر در آن

چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه

ح- گذراندن دوره یا دوره های خاص آموزش و یادگیری مهارت های اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

۲- ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی

در حبس های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکي و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده موثر است. محکوم را با رضایت خود او تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.

تبصره الحاقی ۱۳۹۹/۲/۲۳ مقررات این ماده در مورد حبس های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار، در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال است.

۳- ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی

در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

برشمرده و تقویت جایگاه بزه‌دیده در سازوکارهای گذشت‌شاکي نمود آن در تبصره ۱ یک ماده‌ی ۱۰۰ و تبصره ماده ۱۰۲^۲ و ماده ۸۹^۳ به چشم می‌خورد.

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.

پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجاکه استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا فراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.

۱- ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی

در جرایم تعزیری قابل گذشت، شاکي یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است.

تبصره ۱- جرائم قابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکي و عدم گذشت وی است.

تبصره ۲- جرائم غیر قابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شکایت شاکي و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد.

تبصره ۳- مقررات راجع به گذشت، شاکي در مورد مجازات های قصاص نفس و عضو، حد کذف و حد سرقت همان است که در کتاب دوم «حدود» و سوم «قصاص» این قانون ذکر شده است. گذشت شاکي در سایر حدود تأثیری در سقوط و تخفیف مجازات ندارد.

۲- ماده ۱۰۲

هرگاه متضررین از جرم، متعدد باشند تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع می‌شود، ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات، موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده اند.

تبصره- حق گذشت، به وراث قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت همگی وراث حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.

۳- ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی

درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات های زیر اجرا می‌شود:

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

علی رغم پاسخ پذیر کردن بزهکار از سوی قانونگذار در استفاده از پاسخ‌های غیر کیفری با الزام وی به جبران خسارت بزه‌دیده جای بزه‌دیده در اصول رهنمود محور مندرج ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی خالی است اصول رهنمود محور جزء پارامترهای الزامی در راستای تعیین کیفر تعزیری می‌باشد و علی رغم مهم بودن آن پارامترها در تعیین کیفر تعزیری در راستای برقراری تناسب میان جرم و مجازات و تفهیم مجازات، این مقوله از قلم قانونگذار جا افتاده است مبحث از بزه‌دیده در تخفیف مجازات بوده و در سایر موارد نیز که در بالا توضیح داده شد توجه قانونگذار به نقش بزه‌دیده در راستای میزان خسارات و مد نظر قرار دادن آن بعنوان پیش شرط استفاده از تأسیسات مربوط به پاسخ‌های غیرکیفری است که برخوردار نمودن بزهکار از آن تأسیسات از اختیارات مقام قضایی بوده و ممکن است مقام قضایی بدون برخوردار نمودن بزهکار از تأسیسات ارفاقی حکم به مجازات دهد و در نهایت این بزه‌دیده است که آلام وی بدون التیام باقی می‌ماند هم چنین است در بحث تخفیف مجازات که ممکن است جرمی در راستای رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده به وقوع بپیوندد، اما از آنجا که اعطای تخفیف مجازات از اختیارات مقام قضایی است بدون در نظر گرفتن آن حکم به مجازات دهد و از این رهگذر اصل تناسب میان جرم و مجازات برقرار نگردد بنابراین اگر قانونگذار نقش بزه‌دیده را در ماده ۱۸ ق.م.ا بعنوان اصول راهبردی در تعیین کیفر مد نظر قرار می‌داد نتیجه‌ی آن از یک منظر پاسخگو کردن بزهکار بود که آلام بزه‌دیده از این طریق التیام داده می‌شد و هم چنین از منظر دیگری اگر جرم بدنبال تقصیر بزه‌دیده بوقوع می‌پیوست قاضی مکلف به در نظر گرفتن آن در تعیین کیفر تعزیری بود و از این رهگذر تناسب میان جرم و مجازات برقرار می‌گشت هر چند که قانونگذار از عبارت «گستره‌ی نقش وظیفه» در ماده‌ی ۱۸ ق.م.ا استفاده نموده است و ممکن است توجه به نقش بزه‌دیده از این عبارت استنباط شود اما باید اذعان نمود که

ت- پرداخت جزای نقدی از ۳/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی

رایگان در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱- ساعات ارایه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكایی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای

نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده به اقامت در منزل در ساعاتی که داداه معین می‌کند یا به نگهداری در

کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

این عبارت، عبارت بسیار مبهم و غیر صحیحی می باشد که هر نوع تفسیری می توان از آن نمود و این زمینه ساز بروز اختلاف نظر و تشتت آراء، میان قضات می شود مخصوصاً در میان قضاتی که تمایلی به فردی ساختن کیفر نداشته و دیدگاه سنتی بر اندیشه‌ی آنها حاکم است.

۴-۲-۲- اقدام نامشروع بزه دیده

بزه دیده همیشه فردی ذیحق که مورد تجاوز قرار گرفته باشد، مستحق کمک و حمایت نمی باشد. قربانی جرم زمانی مرتکب عملی مجرمانه شود، خود یک مجرم است، بنابراین دفاع تجاوز آن ولو آنکه منجر به ارتکاب عملی که عنوان مجرمانه داشته باشد، منع قانونی نداشته و مدافع عمل نامشروع آن مستحق کیفر نخواهد بود (صابری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۷). غالباً بزهکاران (از جمله بزه دیده) زمانی مرتکب جرم می شوند که از دسترس قدرت قانونی و نیروی سرکوبگر قوای عمومی به دور و بزه دیده برای جلوگیری از تهدید مصالح و حقوق قانونی خود، از حمایت به هنگام آنان محروم باشد (الستی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۹). در این حالت، مدافع، دفاع از خود را تنها دارویی برای آن تعدی می داند. دفاع در برابر تعرض که در قوانین کیفری با شرایطی، آن را دفاع مشروع می نامند، موجب خواهد شد که فرصت ارتکاب جرم را از بزهکاران بستانند و استمرار و تسلط امنیت را مورد حراست قرار دهد. در ایران، مقررات مشابه‌ای همانند نظام‌های کیفری انگلستان و امریکا در مورد دفاع مشروع وجود دارد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و در ماده ۱۵۶، ضمن بیان شرایطی برای آن، دفاع در برابر متجاوز به حقوق فرد اعم از جان، مال، عرض، ناموس و آزادی تن را مجاز دانسته و در صورت تحقق شرایط، مدافع مسئولیت کیفری و مدنی نخواهد داشت.

۴-۲-۳- تقاص

تقاص^۱ عنوانی است که بیشتر در مقررات کیفری اسلام بیان گردیده است که در لغت به معنای «گرفتن، پیگیری کردن و رعایت مساوات، بکار رفته است و در اصطلاح

۱. تقاص تنها اختصاص به جرایم اموال ندارد در جرایم علیه اشخاص نیز محقق می‌گردد، لکن بیشترین عنوان، در جرایم علیه اموال مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فقهی به معنای این است که شخص، حقی را از دیگری بدون اطلاع یا رضای او بگیرد» (خاوری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۷) به بیانی دیگر، در این حالت، مرتکب در زمان ارتکاب عمل مجرمانه علیه دیگری، صادقانه اعتقاد داشته باشد که حقی بر شخص یا اموال قربانی جرم دارد. تقاص^۱ مرتکب علیه بزه‌دیده، گاهی علیه شخص قربانی جرم می‌باشد (شیری، ۱۳۹۷: ۱۰۱). به این معنا که مجرم جرمی علیه او مرتکب می‌شود که در این صورت با احراز اعتقاد صادقانه وی از مجازات معاف می‌گردد. ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دلالت بر آن دارد که چنانچه قربانی جرم، مرتکب جرمی گردد و فردی که علیه او عمل مجرمانه شده یا ولی دم مجنی‌علیه، اقدام به قصاص وی نمایند، مرتکب، مستحق مجازات عمل ارتكابی خود بر قربانی جرم نخواهد بود و از مجازات معاف و یا مجازات او همراه با تخفیف خواهد بود.

۴-۲-۴- رضایت بزه‌دیده

در مقرر کیفری ایران، اصولاً رضایت^۲ به ارتکاب جرم نمی‌تواند مجوز و دفاعی برای ارتکاب آن محسوب گردد^۳، لیکن با توجه به نظام حاکم بر نوع جرایم و مجازات‌ها، در نقش رضایت قربانی جرم در میزان مجازات مجرم می‌باید، قائل به تفکیک شد (شاهیده، ۱۳۹۷: ۲۲۷). در جرایم علیه اشخاص، قانون‌گذار ایران، عدم تأثیر رضایت قربانی جرم بر این مبنا استوار نموده که نفس انسان ودیعه‌ای الهی است و انسان نمی‌تواند در آن دخل و تصرفی نماید، بنابراین رضایت بزه‌دیده، مسئولیت مجرم را زایل نخواهد کرد. این حکم نیز در جرایم جنسی حتی قربانی را مشمول مجازات خواهد دانست و تنها در صورت اکراه و عدم رضایت، مرتکب (قربانی) قابل مجازات نخواهد بود. در جرایم تعزیری و بازدارنده، با توجه به آنکه، تأسیس این گونه جرایم برای حفظ نظم جامعه و اختیار اجرای آنها در ید حاکم است و جنبه خصوصی نداشته، رضایت قربانی جرم در مسئولیت کیفری مجرم

1. Self-help.

۲. رضایت در مقررات کیفری به عنوان عاملی موجهه‌انطوری که در نوشته‌های حقوقی آمده است نه تعریف گردیده و نه مستقلاً به این عنوان بیان گردیده است. اما از میان مقررات کیفری می‌توان جرایمی دریافت که در صورت وجود رضایت قربانی جرم، موجبی برای عدم مجازات مرتکب جرم خواهد بود (کلانتری و ذبیح‌الله‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۲).

۳. «... چنانچه می‌دانیم هدف مجازات حفظ نظم عمومی است نه ارضای افراد خصوصی. بنابراین قاعده عمومی این است که رضایت مجنی‌علیه نافی مسئولیت جزایی نیست و آن را از بین نمی‌برد.» (علی‌آبادی، ۱۳۶۷: ۲۴۹).

فاقد تأثیر بوده، اما با توجه به موادی می‌توان از موارد تخفیف یا تبدیل مجازات مرتکب تلقی نمود. از آنجائی که عدم رضایت قربانی جرم از عناصر تشکیل دهنده این‌گونه جرایم محسوب می‌گردد، لذا در صورت رضایت قربانی جرم، اصولاً جرمی واقع نمی‌گردد که مجرم مسئولیت کیفری پیدا نماید. در جرایمی که در پی اعمال جراحی و طبی و ورزشی واقع می‌گردد، رضایت قربانی جرم تنها شرط اباحه عمل بوده و در صورت وجود تقصیر مرتکب، مسئولیت کیفری مجرم پا بر جا بوده و تنها با حصول شرایطی، مرتکب فاقد مسئولیت کیفری خواهد شد.

در جرایم علیه اموال، رضایت نقش بیشتری در معافیت مرتکب جرم از مجازات ایفاء می‌نماید. یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده جرم علیه اموال، عدم اطلاع و عدم رضایت بزه‌دیده است. بزه‌دیده می‌تواند در مایملک خود هرگونه تصرفی نماید، با رضایت وی مبنی بر هرگونه دخالت در اموال خود، اساساً جرمی علیه اموال واقع نمی‌گردد که مجازاتی را به دنبال داشته باشد. بنابراین رضایت قربانی جرم در جرایم علیه اموال، عاملی برای کاهش یا معافیت از مجازات می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

اصول ناظر در تقنین کیفر تعزیری به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از اصول حقوقی، اصول فقهی و اصول ناشی از قانون یا قوانین. از جمله‌ی اصول حقوقی می‌توان به اصل صرفه‌جویی کیفری، حق بر مجازات نشدن، اصل قضایی بودن، اصل قانونی بودن اشاره کرد. از اصول فقهی حاکم بر تقنین کیفر تعزیری نیز می‌توان به قاعده‌ی «التعزیر بما یراه الحاکم» و قاعده‌ی «التعزیر دون الحد» اشاره کرد. اصول تقنینی که قاضی می‌بایست در تعیین کیفر تعزیری به آن توجه کند؛ ۴ بندی است که در ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مطرح گردیده است. قانون‌گذار در این ماده بیان داشته است: «دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم. ب- شیوه‌ی ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن. پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم. ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.» آنچه که در این ماده مورد نظر نبوده و در این پژوهش بدان پرداخته شده است، وضعیت بزه‌دیده و تأثیر آن بر تعیین کیفر تعزیری است. موجبات تبدیل، تخفیف و معافیت از مجازات متناسب با ویژگی‌های فردی بزه‌دیده و همچنین اقدامات او و شرایط حاکم بر جرم سنجیده می‌شوند.

از ویژگی‌های فردی بزه‌دیده که در تعیین کیفر - به شکل تخفیف، تبدیل و معافیت از مجازات مجرمان - مؤثر است، می‌توان به نژاد، مذهب، جنس، رابطه نسبی و سببی، و نقص جسمی و روانی قربانی اشاره کرد. جنسیت زن می‌تواند در موارد متعددی موجب نگاه ارفاق‌آمیز ناشی از توجه به ملاحظات زیستی - فیزیولوژیکی ویژه زنان شود که قانون‌گذار ایران در موارد متعددی این توجه را نشان داده است. در قوانین کشور ایران جز در مورد وابستگی بزه‌دیده به مذهبی غیر از دین اسلام، تعلق و انتساب قربانی جرم به یک نژاد، رنگ، قوم، ملیت از موجبات و عوامل مؤثر در تعیین مجازات نبوده و قوانین کیفری ایران برای موارد مذکور هیچ ویژگی خاصی برای تفاوت قانونی بین مجرم و بزه‌دیده قائل نمی‌گردد. با مراجعه به مجموع مقررات قانونی در ایران، به نظر می‌رسد این تمایز (ویژگی اعتقادی و مذهبی بزه‌دیده) در تعیین مجازات محدود به جرایمی است که موضوع آنها ایراد صدمه بدنی بر بزه‌دیده است و به سایر جرایم علیه غیر مسلمان تسری

پیدا نمی‌نماید. همچنین در قوانین کیفری ایران، وجود رابطه نسبی بزه‌دیده با مرتکب، تأثیر اساسی در تعیین مجازات دارد و در آخر برخلاف حقوق کیفری اکثریت کشورها مانند انگلستان و آمریکا که در خصوص قربانیان دارای اختلالات روحی و روانی یا دارای نقص جسمی، در مراحل مختلف دادرسی همواره به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر، سیاستی حمایتی را اتخاذ نموده، با بررسی قوانین کیفری ایران سیاست منسجم و یکنواختی در مواردی که افراد ناتوان آماج اعمال مجرمانه واقع می‌شوند، نمی‌توان یافت. بلکه در این زمینه رویکردی گاه در تعارض و علیه این نوع قربانیان اتخاذ گردیده است.

تحریک، اقدام نامشروع بزه‌دیده، تقاص و رضایت بزه‌دیده از جمله مواردی است که موجبات تخفیف، معافیت و یا تبدیل مجازات مجرم را فراهم می‌کند. از جمله موارد تخفیف یا معافیت از مجازات مجرمان آن است که مرتکب، جرم ارتكابی را در اثر اقدامات تحریک‌آمیز بزه‌دیده انجام داده باشد. همچنین در صورتی که قربانی نسبت به یک عمل نامشروع اقدام ورزیده باشد، شرایط تخفیف مجازات برای مجرم فراهم می‌گردد.

در بحث دیه، با در نظر گرفتن اختلاف دیه مسلمان و اقلیت‌های دینی، مرد و زن و افراد سالم و غیر سالم وجود رابطه‌ی تناسب مخدوش می‌باشد. این نبود تناسب عموماً مبتنی بر همان دلایل مجازات‌های حدی است، ولی در بعضی از موارد که بُعد تعبدی آنها کمتر است، از سوی قانونگذار در حال تغییر می‌باشند. مثلاً می‌توان، قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ را بیان کرد که مقرر می‌دارد: «بر اساس نظر حکومتی ولی امر دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد». همین حکم در ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجدداً بیان شده است که می‌گوید: «بر اساس نظر حکومتی مقام رهبری، دیه جنایت بر اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد.» در همین زمینه در خصوص آن بخش از حدودی که در قرآن کریم نیامده است، به نظر می‌رسد که می‌تواند در اجرای آنها دخل و تصرفی از طرف حاکم اسلامی صورت بگیرد.

منابع
فارسی
الف-کتاب

- آن ولبرت برجس، چریل رگر، آلبرت آرابتس. (۱۳۹۵). *بزه‌دیده‌شناسی نظریه‌ها و کاربردها*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۸). *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ بیست و دوم، تهران: نشر میزان.
- افشاری‌پور، غلام‌رضا و محمدی‌زاده کرمانی‌نژاد، مجتبی. (۱۳۹۶). *مجازات تعزیری، از سنت تا مدرنیته (با رهیافتی جرم‌شناسانه)*، چاپ اول، تهران: انتشارات موجک.
- انوری، حسن. (۱۳۸۶). *فرهنگ فشرده سخن*. تهران: سخن.
- بریث‌ناچ، سیموس. (۱۳۹۳). *جرم و مجازات از دیدگاه امیل دورکیم*، ترجمه‌ی محمدجعفر ساعد، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
- بیات، محسن. (۱۳۹۵). *بزه‌دیده‌شناسی بیگانگان*، چاپ اول، تهران: مجد.
- حاجی‌علی، فریبا و معینی‌فر، محدثه. (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی حدود و تعزیرات در فقه مذاهب خمس، چاپ اول، تهران: میزان*.
- حسینی، هادی و همکاران. (۱۳۸۱). *کتاب زن*، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- خاوری، یعقوب و همکاران. (۱۳۸۴). *واژه‌نامه تفصیلی فقه جزا*، چاپ اول، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- رایجیان‌اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). *بزه‌دیده در فرایند کیفری*، چاپ اول، تهران: خط سوم.
- سبزواری‌نژاد، حجت. (۱۳۹۱). *تاثیر مجنی‌علیه در تعیین مجازات (حقوق جزای تطبیقی)*، چاپ اول، تهران: جنگل.
- صابری، راضیه و صفاری، علی. (۱۳۹۳). *دفاع مشروع و پیشگیری وضعی*، چاپ اول، تهران: مجد.
- صانعی، پرویز. (۱۳۷۷). *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، تهران: گنج دانش.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (بی‌تا). *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه*،

قم: انتشارات صادقی.

علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۶۷). *حقوق جنائی*، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی.
فیلیزولا، ژنیا (۱۳۸۸). *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی*، ترجمه‌ی روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، تهران: مجتمع علمی و فرهنگی مجد.

ب- مقالات

اسلامی، ابراهیم (۱۳۹۵). «جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان جرایم سایبری در مقررات کیفری حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل»، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، سال هفدهم، شماره اول (پیاپی ۴۳).
الستی، ساناز و حسن‌پور، معصومه (۱۳۸۵). «بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی»، *نشریه دادرسی*، شماره ۵۶.
رستمی، هادی (۱۳۹۵). «تقابل وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی فایده‌محور در توجیه کیفر»، *پژوهش‌نامه‌ی حقوق کیفری*، شماره‌ی ۱۴.
رستمی تبریزی، پریا، اکبری، سید صادق (۱۳۹۲). «نفوذ آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی در بخش کلیات قانون مجازات اسلامی»، *نشریه دانش و پژوهش حقوقی*، شماره ۵.
رمضانی، محمد و همکاران (۱۳۹۷). «تعزیرات منصوص» از احکام ابدی تا احکام قضایی و حکومتی»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۱۸.
سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۴). «ناتوانان بزه‌دیده: از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۳-۵۲.
شاهیده، فرهاد (۱۳۹۷). «نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم سرقت و تعیین کیفر آن»، *وکیل مدافع*، شماره ۱۷.
شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۵). «آسیب‌شناسی درجه‌بندی هشت‌گانه مجازات‌های تعزیری»، *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، شماره ۳۳.
شیری، عباس (۱۳۹۷). «حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه‌ی اجرای آن، دیدگاه‌های حقوق قضایی»، شماره ۸۱.

عظیم‌زاده، شادی. (۱۳۸۴). «پویایی جلوه‌های سیاست جنائی در حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۲-۵۳.

کلانتری، کیومرث و ذبیح‌الله‌زاده، فاطمه. (۱۳۸۹). «جایگاه بزه دیده در تعیین کیفر و اعمال آن (بررسی تاثیرگذشت شاکی قبل و بعد از صدور حکم قطعی در جریان یک پرونده کیفری)»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۶۹.

مرادی، عباس و عبدالهی، اسماعیل. (۱۳۹۶). «نقش و جایگاه رضایت قربانی جرم در دادسرا»، *مطالعات حقوق*، شماره ۸.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۳). «تحلیلی پیرامون مسئله تعزیرات در اسلام»، *نور علم*، شماره ۷.

ج- پایان نامه و رساله

سلیمی، مهدی. (۱۳۷۴). حوادث ناشی از عملیات ورزشی (تحلیل بند ۳ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰)، *پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

هوشیار، مهدی. (۱۳۸۸). رویکرد اصل تناسب ترتیبی به نظام رتبه‌بندی مجازات‌ها در حقوق کیفری ایران، *پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی*، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

انگلیسی

Dijk ,J .J .M .Van .(1999) .*Introducing Victimology :Caring for Crime Victim :The Ninth Symposium of the World of Victimology) in Free University of Amsterdam from 25 to 29 August* ,(1997 Criminal justice Press ,Monsey ,and New York.

Dressle. A .(1988) .*Provocation :Partial Justification or Partial Excuse* 51 ,MLR467.

Fattah ,Ezzat A .(2000) .*Victimology :Past ,Present and Futur, Criminology* ,v ,33 .n.1.

Garner ,Brayan A .(2004) .*Black ,s Law Dictionary* ,Eight Edition, Thomson.

Hoyle ,C .(2013) .*Feminism ,Victimology and Domestic Violence* ,Handbook of Victims and Victimology ,Taylorfrancis Press.

Jaishankar ,K .(2011) .*Cyber Criminology ,Exploring Internet Crimesand Criminal Behavior* ,Boca Raton, CRC Press.